



## مجازات جرایم جنسی در ایران

### مهران خوش سلوک

دکتری حقوق، مدرس دانشگاه، وکیل پایه یک دادگستری

#### چکیده

در دین مبین اسلام، رابطه جنسی میان زن و مرد بدون وجود علقه زوجیت، جرم بوده و شارع مقدس برای آن مجازات تشریع نموده و قوانین جزایی کشورمان نیز به تبع آن برای این عمل، جرم انگاری و مجازات‌های حد و تعزیری تعیین کرده است. جماع و نزدیکی جنسی در برخی از کشورها جرم نبوده و به صرف رضایت دو طرف عمل، منع قانونی ندارد؛ لیکن در صورتی که نزدیکی جنسی بدون رضایت یکی از دو طرف به واسطه‌ی اکراه، فریب، سلب اراده و یا سایر علل صورت پذیرد، تجاوز به عنف مصداق یافته و فرد متجاوز مستوجب مجازات خواهد بود. در رابطه جنسی فی‌مابین دو مرد نیز دین اسلام جرم‌انگاری نموده و در هر شرایطی برای مرتکبین آن مجازات تعیین کرده است. هر چند که برخی از کشورهای جهان، همجنس‌گرایی را مجاز دانسته‌اند ولی حامیان این بحث نیز در صورت اکراه و اجبار تجاوز شونده، قائل به اجرای مجازات علیه متجاوز و اکراه‌کننده می‌باشند. به واقع تمامی کشورها جرایم جنسی به عنف و اکراه را جرم دانسته و ضمن حمایت از تمامیت جسمانی و شخصیتی اشخاص، برای فرد متجاوز مجازات تعیین نموده‌اند. دین اسلام با عنایت به سبقه قانونگذاری از قرن هفتم میلادی، نه تنها رابطه جنسی بدون جواز شرعی را جرم دانسته است، بلکه برای مرتکبین آن مجازات تعیین کرده و مجازات متجاوز را نیز سلب حیات در نظر گرفته است که شدیدترین نوع از انواع مجازات‌ها می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** جرایم جنسی، تجاوز به عنف، مجازات، اعدام، تعرض جنسی.



## 1- مقدمه

دین مبین اسلام پس از شکل‌گیری و از قرن هفتم میلادی، در اولین منبع از منابع شکلی حقوق اسلامی (کتاب)، به جرم‌انگاری روابط جنسی اشخاص با یکدیگر بدون وجود رابطه زوجیت پرداخته و از لحاظ جنسیت، روابط نامشروع بین افراد را به روابط جنسی غیرمشروع مردان و زنان (زنا و مادون زنا)، مردان با یکدیگر (لواط و تفریخ) و زنان با یکدیگر (مساحقه) و سایر مصادیق از قبیل «مضاجعه»، «ملاسه» و غیره تقسیم‌بندی نموده و با استناد به قاعده فقهی «وزر» و اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها، ضمن تبیین مسئولیت شخصی مرتکب، مجازات جرایم یاد شده را در قالب «حد» و «تعزیر» تشریح کرده است. ضمن آنکه شارع، برای ایجاد مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم جنسی، عناصر اساسی قصد، رضا و اختیار (عنصر معنوی)، انجام فعل حرام (عنصر مادی) و جرم‌انگاری و تبیین مجازات (عنصر قانونی) را ضروری دانسته و با جمع عناصر سه گانه مذکور، اشخاص مرتکب جرایم جنسی را مستوجب مجازات دانسته است.

مجازات جرایم جنسی در قوانین جزایی اسلام، بسته به جنسیت مرتکبین و مجرد و تأهل آنان متفاوت و اغلب شدید بوده و جزا و تنبیه جسمانی در اولویت مجازات‌ها قرار دارد، لیکن علاوه بر «جلد» (شلاق)، در مواردی از مجازات‌های تبیین شده، «جَزَّ» (تراشیدن موی سر زانی) و «تغریب» (تبعید به مدت یکسال) را نیز به عنوان مجازات‌های تکمیلی در نظر گرفته و این در حالی است که مرتکب شرایط خاصی برای ارتکاب جرم داشته و قصد انجام رابطه نامشروع جنسی نیز محرز باشد؛ لیکن در مواردی که قصد و رضایت وجود نداشته و مجنی علیه به عنف، اکراه و یا اجبار مورد تعرض جنسی قرار گرفته باشد، قانونگذار شدیدترین نوع از انواع مجازات‌ها را در نظر گرفته که همانا «سلب حیات» متجاوز می‌باشد که اعدام متجاوز در مصادیق تجاوز به عنف و برخی دیگر از مصادیق جرایم جنسی در این پژوهش مورد مذاقه قرار گرفته است.

### 1-1- پیشینه پژوهش:

اولین منبع شکلی و اصلی حقوق اسلامی، کتاب (قرآن کریم) بوده که شارع حکیم، در آیات الاحکام به تشریح احکام عیدیه‌ای اعم از حقوقی و جزایی پرداخته است. شارع مقدس در آیات مختلفی خودداری از روابط جنسی غیرمشروع را بر مکلف تکلیف نموده و علاوه بر جرم‌انگاری، مجازات مجرمین را نیز تشریح فرموده است. پس از «کتاب»، در دومین منبع شکلی حقوق اسلامی (سنت)، سایر احکام و حتی مجازات‌ها بیان شده است.

پس از رحلت پیامبر (ص)، مسلمانان اهل سنت، اقدام به تدوین و نگارش کتب فقهی و اصولی نمودند تا از طریق اجتهاد به احکامی دست یابند که حکم آنها در کتاب نیامده است چرا که بجز سنت پیامبر اکرم (ص)، به سنت ائمه معصومین (ع) قائل نبوده و بدین لحاظ دستیابی به احکام ثانویه برای آنان معتسر بود. اما شیعه، بجز سنت رسول اکرم (ص)، رفتار، گفتار و تقریرات ائمه معصومین (ع) را نیز در زمره سنت معتبر دانسته و تا غیبت کبری حضرت ولی عصر (عج)، به سنت دسترسی داشته و از این چشمه عظیم فقهی بهره می‌بردند و از قرن سوم هجری، نگارش و تدوین کتب فقهی نیز در میان شیعیان رونق گرفت و بدون اغراق باید اذعان نمود که کتب فقهی شیعه را می‌توان منبع غنی احکام در تمامی امور اعم از عبادات، معاملات و احکام حقوقی و جزایی دانست.

با توجه به نص موجود در آیات مربوط به جرایم جنسی در قرآن، احکام فقهی شیعه و اهل تسنن، تفاوتی با یکدیگر نداشته و کافه فقها و علمای اسلامی، روابط جنسی غیرشرعی میان زن و مرد و روابط شنیع جنسی میان مردان و روابط جنسی زنان با یکدیگر را مستند به آیات قرآن کریم حرام، گناه، اثم و به تعبیر حقوقی جرم دانسته و مجازات‌های تعیینی شارع را علیه مرتکبین، قانونی می‌دانند. در این پژوهش در حد اختصار به نظرات فقهی برخی از فقهای متقدم و متأخر در خصوص جرایم جنسی اشاره شده لیکن استنادات صرفاً در حوصله این پژوهش صورت گرفته است.

## 1-2- روش تحقیق:

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی به موضوع پرداخته و ضمن بیان جرایم جنسی از منظر فقه و حقوق جزایی اسلام، جرایم جنسی به عنف را مورد بررسی قرار داده و با تحلیل موضوعات، مجازات‌های آن را نیز مورد تبیین قرار داده است.

## 2- تعاریف و کلیات:

### 2-1- جرائم جنسی:

در ابتدا تعریف جرم مستند به ماده 2 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 یادآوری می‌شود: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود» و با این تعریف، جرایم جنسی، به مصادیقی خاص از تعریف عام جرم اشاره می‌کند که ناشی از تمایل زنان و مردان در امور جنسی به یکدیگر و یا تمایل افراد همجنس به اعمال شنیع و امور جنسی به یکدیگر می‌باشد. از دیدگاه شرعی نیز، به عمل منافی شرع، که حاکی از نوعی انحراف در ارضای غرایز جنسی است اطلاق می‌گردد. استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر نوبهار در تعریف جرایم جنسی آورده‌اند: «امور جنسی که به حسب عرف و احساسات یک جامعه، شرم‌آور باشد». مرحوم مجلسی نیز در کتاب گرانقدر بحارالانوار آورده است: «براساس دیدگاه دین اسلام، جرم جنسی، عمل منافی شرع است که مشتمل بر نوعی انحراف در ارضای غرایز جنسی، ایراد صدمه جنسی به دیگری یا متضمن آسیب به عفت عمومی است و قانون‌گذار برای آن‌ها کیفر پیش‌بینی کرده است. در حقوق کیفری اسلام، لواط، حتی اگر کاملاً پنهانی باشد، نوعی انحراف در ارضای غریزه جنسی از مجرای طبیعی است، ازاله نامشروع بکارت از زن، نوعی صدمه جنسی به دیگری است، قوادی تلاش برای به‌انحراف‌کشاندن دیگران و در شکل گسترده آن، نوعی تعرض به عفت عمومی است».

جرائم جنسی را می‌توان زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، ملامسه و سایر جرائمی دانست که شارع مقدس مجازات آنها را در قالب حدود شرعی و یا تعزیر تشریع نموده و قانونگذار نیز بر همین اساس، مجازات مربوط به هر یک از جرایم جنسی را تعیین کرده است. جرائم جنسی، علاوه بر مصادیق مذکور، شامل آزارهای جنسی و هرزه‌نگاری (پورنوگرافی) نیز می‌باشد که مجازات‌های آن در قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال 1375 و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال 1399 قانونگذاری شده و از بحث این پژوهش خارج است.

### 2-2- تجاوز به عنف:

**تجاوز:** در فرهنگ فارسی عمید، «از حد در گذشتن، از اندازه خارج شدن» به عنوان معانی تجاوز بیان شده است

- تخطی از حد و مرز قانونی و شرعی

- تعدی نمودن از حدود و اختیارات، نیز به عنوان سایر معانی تجاوز آمده است.

**عنف:** در معانی «شدت، قساوت، ضد رفق» در فرهنگ فارسی عمید آمده است.

**اکراه:** در فرهنگ معانی مذکور، «کسی را به زور و ستم به کاری واداشتن، کسی را خلاف میل و رضای او به کاری مجبور کردن» در معانی اکراه بیان شده است.

تجاوز به عنف، شدیدترین نوع خشونت جنسی فیزیکی است که طی آن مردی به عنف و به اجبار و بدون رضایت زن با او نزدیکی نماید. این مصداق تجاوز به عنف در تعبیر زنای به عنف، کارا تر بوده و در صورتی که جنسیت مجنی‌علیه، مذکر باشد، تجاوز به عنف به وی، لواط با اکراه و اجبار بوده که مفعول این جرم فاقد هرگونه قصد و تمایل به برقراری رابطه جنسی بوده است.



## تجاوز به عنف در جرم‌شناسی:

اصطلاحی در جرم‌شناسی است، به معنی انجام نزدیکی جنسی با فرد، بدون رضایت او. در این تعریف تفاوتی بین جنسیت مجنی- علیه وجود نداشته و مردان و زنان را در برمی‌گیرد.

\* نزدیکی فرد بالغ با افراد کم سن و سال و کودکان، حتی اگر با رضایت او باشد، نیز تجاوز محسوب می‌شود.

تجاوز، نوعی خشونت جنسی است که معمولاً شامل آمیزش جنسی می‌شود و توسط فرد یا افرادی به رغم رضایت شخص انجام می‌شود. این عمل می‌تواند با اجبار فیزیکی، تهدید، سوءاستفاده از مسئولیت یا با فردی که ناتوان یا زیر سن قانونی است رخ دهد. این عبارت غالباً در قانون جزایی تعریف می‌شود. کسی که عمل تجاوز را انجام می‌دهد تحت عنوان «متجاوز» یا «تجاوزگر» شناخته می‌شود.

تجاوز جنسی از جمله جرائمی است که نه تنها موجب آسیب‌های فیزیکی، روحی و روانی بسیاری به فرد قربانی می‌شود، بلکه موجب برهم خوردن امنیت و آرامش در جامعه می‌شود.

واژه **rape** (تجاوز) از فعل لاتین **rapere** ریشه گرفته است. تجاوز جنسی نوعی خشونت جنسی است که معمولاً با آمیزش همراه است و توسط فرد یا گروهی از افراد، برخلاف رضایت قربانی انجام می‌شود. این رابطه باید برخلاف میل قربانی و از طریق زور یا تهدید به زور باشد، یا با شخصی که به دلیل وضعیتی خاص مانند بیماری روانی، عقب‌ماندگی ذهنی یا حتی هشیار نبودن مانند مسمومیت یا بیهوشی، قادر به دادن رضایت قانونی نیست.

تعاریف گوناگونی برای تجاوز جنسی در اقصی نقاط دنیا و نیز برهه‌های مختلف تاریخی، ارائه شده است. تعریف تجاوز، در بسیاری متون قضایی، آمیزش (مقاربت) جنسی یا انواع دیگر روابط جنسی است که بدون رضایت فرد قربانی، از سوی شخص متجاوز بر او تحمیل می‌شود. سازمان ملل، آن را تحت عنوان «مقاربت جنسی بدون رضایت»، تعریف می‌کند؛ و سازمان جهانی سلامت، در سال ۲۰۰۲ تعریف «نفوذ به مقعد یا آلت تناسلی زنانه (vulva) همراه با اعمال زور و تحت اجبار، به وسیله آلت جنسی مردانه، سایر اندام‌های بدن یا یک شی» را ارائه داده است. از سوی دیگر، بعضی جوامع همچون آلمان، تعاریف جامع تری را بکار می‌برند که در آنها، الزامی برای مقاربت در تجاوز نیست؛ دادگاه جنایی بین‌المللی برای رواندا ۱۹۹۸، تجاوز (rape) را «تجاوز فیزیکی با ماهیت جنسی، که به یک شخص تحت اجبار اعمال می‌شود»، تعریف می‌کند. در بعضی متون قضایی اصطلاح تجاوز (rape) با اصطلاحاتی همچون «رفتار خشونت‌آمیز جنسی» یا «رفتار جنایت آمیز جنسی»، جایگزین شده است. اما بسیاری از متون قضایی و کشورها، تجاوز را هم چنان آن دسته از اعمالی می‌دانند که شامل نفوذ آلت مردانه به واژن و سایر رفتارهای جنسی مرتبط، همراه با اعمال خشونت جنسی باشد. به عنوان مثال در برزیل، قانون، تجاوز جنسی را، سکسواژینال بدون رضایت فرد تعریف می‌کند؛ بنابراین، تجاوز به مرد، تجاوز مقعدی (Anal) و تجاوز دهان (oral)، مشمول این تعریف نمی‌شوند که با توجه به مطالبی ارائه شده در این پژوهش، از منظر جنسیت، تفاوتی بین قربانیان نبوده و همانگونه که زنان مورد تعرض و تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، مردان نیز از سوی مردان دیگر، مورد تجاوز جنسی واقع می‌شوند. آنچه در تجاوز به عنف، حائز اهمیت است، عدم رضایت فرد در برقراری تماس و مقاربت جنسی بوده که شرایط تجاوز به عنف را ایجاد می‌نماید.

تجاوز و یا تجاوز به عنف، صرفاً با اعمال اکراه و یا اجبار همراه نبوده بلکه در مصادیق وجود شرایط و وضعیتی خاص برای فرد مورد تجاوز، از قبیل: «فريب، خردسال بودن قربانی، بیماری روانی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت جسمی، بیهوش بودن یا بیهوش نمودن قربانی و یا مسلوب الاراده کردن وی از طریق دارو، مشروبات الکلی و یا مواد مخدر و روانگردان»، تجاوز موضوعیت خواهد یافت.

## 2-3- جرایم جنسی فیزیکی و غیرفیزیکی:



جرایم جنسی فیزیکی (لمسی)، جرایمی از قبیل: زنا، لواط، تقبیل، مضاجعه و ملامسه بوده که رابطه جنسی عاملین جرم، به طور لمسی و فیزیکی می‌باشد. هر نوع دخول اجباری آلت جنسی یا هر عضو خارجی به بدن شخص مقابل از طریق واژن، مقعد یا دهان تجاوز گفته می‌شود که باید بدون رضایت شخص مقابل باشد. علاوه بر این تعریف، در فقه جزایی، تقبیل، مضاجعه و ملامسه نیز در این جرایم موضوعیت یافته است.

جرایم جنسی غیرفیزیکی (غیرلمسی)، که از آن به آزارهای جنسی نیز تعبیر شده است شامل هر نوع رفتار و یا کلام جنسی، بدون تماس و لمس فیزیکی و بدون رضایت طرف مقابل بوده که مصادیق آن را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- «هرزه نگاری (پورنو گرافی)»
- درخواست رابطه جنسی
- چشم‌چرانی و خیره نگاه کردن
- هر نوع ابراز نظر بامعنای جنسی
- نمایش چیزهای بی‌ادبانه و توهین‌آمیز در جمع یا در حریم شخصی شما.
- نمایش حرکات یا رفتارهای بدنی که شامل مضامین جنسی باشد.
- شوخی‌های جنسی
- سؤال کردن درباره زندگی جنسی فرد
- توهین با الفاظ جنسی
- ارتکاب به رفتار مجرمانه، مثل تماس تلفنی بی‌دلیل، بدن‌نمایی یا تعرض جنسی.

با وصف تعاریف یاد شده، آزار جنسی و یا تعرضات جنسی می‌تواند به صورت فیزیکی و یا غیرفیزیکی باشد.

#### 2-4- زنا:

با استناد به ماده 221 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد» و در تبصره‌های 1 و 2 همان ماده جماع تعریف شده و جماع با نابالغ نیز تبیین شده است.

«تبصره 1- جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می‌شود»

«تبصره 2- هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌شود».

در فرهنگ معین در تعریف زنا آمده است: «زنا، به جفت گردیدن زن و مرد بصورت نامشروع گویند». (معین، 1387) در تعریف مندرج در ترمینولوژی حقوق آمده است: «زنا عبارتست از مقاربت در آلت تناسلی زن که بر وی حرام اصلی (نه عارضی مانند حیض بودن زوجه) باشد و شبهه‌ای در بین نباشد، دخول به قدر حشفه موجب تحقق زنا است». (جعفری لنگرودی، 1390)

فقیه گراندرد، مرحوم بهجت در تعریف زنا آورده‌اند: «زنا (به نحوی که حدّ بر آن مرتّب بشود) به اداخل آلت مرد، در فرج زنی که بر او به تحریم اصلی محرم است، محقق می‌شود». (بهجت، 1385) در کتب فقهی در تعریف زنا آمده است: «یتحقق الزنا الموجب للحد باداخل الانسان ذكره الاصلی فی فرج امرأة محرمة علیه من غیر عقد نکاح دائماً أو منقطعاً و ... و لا تحلیل و لا شبهة» (موسوی خمینی، 1384) در تعریف دیگری از کتاب مبانی تحریرالوسیله آمده است: «وطء امرأة من دون عقد و نحوه علی خلاف القانون



بلاشبهه مجوزه» (مومن قمی، 1381) شهید ثانی نیز در تعریف زنا بیان داشته: «الزنا إيلاج ای ادخال الذكر البالغ العاقل فی فرج امرأة محرمة علیه من غیر عقد نکاح بینهما و لا شبهه قدر الحشفة عالماً مختاراً» (شهید ثانی، 1374)

زنای مستوجب حد شرعی باید حائز شرط دخول آلت مردانه به قدر حشفه (به اندازه ختنه‌گاه) باشد در غیر این صورت هرچند که رابطه جنسی غیرمشروع فی مابین زن و مرد صورت گرفته است لیکن این نوع از نزدیکی، با وصف ارتکاب گناه از سوی مرتکبین، دارای حد شرعی نبوده و مستوجب مجازات شلاق تعزیری خواهد بود. به واقع شرط اندازه دخول، مجازات مرتکبین را تغییر خواهد داد.

ارتکاب عمل زنا از نظر قرآن گناه بزرگی است که خداوند در باره آن می‌فرماید: (وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا) (اسراء، 32): «نزدیک زنا نشوید چرا که عمل بسیار زشتی است و راه و روش بدی است». (الهی قمشه‌ای، 1382)

«لاتقربوا» فعل نهی است و زمانی که فعل نهی از سوی شارع بر مکلف ابلاغ می‌گردد، افاده «حرمت» می‌نماید به واقع، شارع مقدس حکم زنا را حرمت تشریع فرموده و هر عملی که از سوی شارع، حرام باشد، اثم و گناه محسوب شده و از منظر جزایی، مستوجب مجازات خواهد بود. به همین دلیل در برابر ارتکاب زنا، مرتکبین آن مستوجب مجازات خواهند بود.

مرجع شرعی مجازات فقهی جرم زنا، سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه 32؛ سوره مبارکه فرقان، آیه شریفه 68؛ سوره مبارکه نساء، آیات شریفه 15، 16، 22، 24 و 25؛ سوره مبارکه مائده، آیه شریفه 5؛ سوره مبارکه نور، آیات شریفه 2، 3، 8، 31؛ سوره مبارکه ممتحنه، آیه شریفه 10 و سوره مبارکه بقره، آیه شریفه 221 می‌باشد، که اشاراتی به حرمت و مجازات زنا داشته است. (فتاحی، خوش سلوک، 1402)

## 2-5- انواع زنا در اسلام (فتاحی، خوش سلوک، 1402):

زنا دارای موارد مختلفی است که برای هر کدام از آنها کیفرها و حدود جداگانه‌ای در اسلام وجود دارد که کلی‌ترین حالات به شرح ذیل است.

• زنای غیر محصنه

• زنای محصنه

• زنای با محارم

• زنای به عنف

### • زنای غیر محصنه (زنای عادی)

آن است که شخص زناکار (زن یا مرد) فاقد همسر یا مجرد یا خارج از شرایط احصان بوده و به اختیار خود زنا کرده باشد. به زبان ساده‌تر به زنای شخص مجرد، یا شخص متأهلی که دارای همسر شرعی دائمی بوده که در دسترسش نباشد، زنای غیر محصنه گفته می‌شود. به مرد زنا کننده زانی و مونث زانی را زانیه گویند (زنی که بصورت نامشروع زنا کند). (جعفری لنگرودی، 1390) در این نوع از زنا، کیفر شخص زناکار در مرتبه اول یکصد ضربه شلاق است، و اگر سه مرتبه زنا کند و در هر مرتبه حد خورده باشد، کیفر او در مرتبه چهارم اعدام است. مرد را در حالی شلاق می‌زنند که ایستاده باشد، و نباید ضربات شلاق بر سر و صورت و عورت او وارد شود. اگر مرد را هنگام زنا برهنه یافته‌اند، جز عورت بقیه بدن او باید برهنه باشد و اگر با لباس یافته‌اند بنابر احتیاط به هر نحو که او را یافته‌اند شلاق خواهد خورد. زن را در حالی شلاق می‌زنند که نشسته و بدن او با لباس پوشیده باشد، و از شلاق زدن به سر و صورت او خودداری نمایند. اگر مرد با زن بی شوهری که در عده نیست زنا کند، بعداً می‌تواند آن زن را برای خود عقد نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را عقد نماید. (بنی هاشمی خمینی، 1383)





#### • زنای محصن و محصنه

هر زنا که در آن، عناصر احصان، جمع باشد را زناى محصنه گویند. (جعفری لنگرودی، 1390) عرفاً به معنای آن است که شخص زنا کننده دارای همسر دائمی باشد به گونه‌ای که هرگاه بخواهد با همسر خود نزدیکی کند مانعی در کار نباشد و با این حال تن به زنا داده باشد. به زبان ساده‌تر اگر یک زن متأهل زنا کند، به زناى آن شخص «زناى محصنه» گفته و اگر زانی مرد باشد «زناى محصن» اطلاق می‌شود. مجازات زناى محصن در مورد مرد زناکاری که متأهل است، اگر پیرمرد باشد ابتدا یکصد ضربه شلاق و سپس سنگسار است، و اگر جوان است فقط او را سنگسار می‌کنند و بنابر احتیاط واجب است شلاق نزنند، در مورد زن متأهل نیز همین حکم جاری است. اگر مردی که متأهل بوده و زنش در اختیار اوست، اما هنوز با او زناشویی نکرده، با زنی دیگر زنا کند او را صد ضربه شلاق می‌زنند، سرش را تراشیده و به مدت یکسال قمری از شهرش تبعید می‌کنند. ولی برای زن زنا کار حکم تراشیدن سر و تبعید جاری نیست. اگر مردی با زن شوهردار زنا کند براساس فتوای اکثر فقها آن زن بر مرد زانی حرام آبدی (مُحَرَّم مُعَبَّد) می‌شود و فرقی نیست بین این که مرد زانی عالم به تأهل زن باشد یا نباشد، و فرقی بین عقد دائم و صیغه نیست. (بنی هاشمی خمینی، 1383)

همچنین است که اگر شخصی با زن شوهرداری زنا کند و بعد از مدتی شوهر و زن از هم طلاق بگیرند و یا شوهر از دنیا برود، از نظر اکثر فقهاء، آن کسی که با زن زنا کرده نمی‌تواند حتی بعد از گذشت مدت عده با او ازدواج کند و آن زن بر آن مرد حرام ابدی می‌شود. (موسوی خمینی، 1390)

#### • زنای با محارم

زناى با محارم به معنای آن است که مثلاً یک مرد با یکی از زن‌هایی که جزو محارم نسبی وی هستند و ازدواج کردن با آنان حرام است، زنا کند. محارم نسبی مانند: مادر، خواهر، دختر، دختر خواهر، دختر برادر، اعمات و خالات. مجازات زناى با محارم بنا بر نظر اکثریت قریب به اتفاق فقها اعدام است، ولی مفاد بعضی از روایات این است که با شمشیر یک ضربه به گردن او بزنند و اگر زنده ماند او را در حبس نگه دارند تا بمیرد، و احوط رعایت این دستور است. حکم اعدام در زنا با زنائی که بواسطه شیر خوردن محرم شده‌اند یا به سبب ازدواج محرم شده‌اند<sup>1</sup> (مانند مادر زن) محل اشکال است، ولی نسبت به زن پدر جاری است. همچنین در این حکم فرقی نمی‌کند که مرد زنا کننده مجرد باشد یا متأهل. در زناى با محارم، در صورتی که زن به انجام عمل زنا راضی بوده، آن زن نیز اعدام می‌شود.

#### • زنای به عُنْف (با قهر و غلبه)

عُنْف، در لغت به معنای سخت دلی، قساوت و کراهت (معین، 1387) و در اصطلاح حقوقی به عنوان فعل ارادی که بر انسان دیگر وقوع یافته، بطوریکه مفعول به رضایت نداشته (خواه عدم رضایت همراه با واکنش باشد یا خیر) و بتواند اظهار کراهت از آن فعل کند که همراه با سوءنیت همراه شود (جعفری لنگرودی، 1390) زنای به عُنْف به معنای آن است که مثلاً زنی به عمل زنا راضی نباشد و مرد با زور، ارباب و تهدید با وی زنا کرده باشد. مجازات زناى به عُنْف برای مرد زنا کننده «اعدام» است، هر چند احوط آن است که یک شمشیر به گردن او بزنند، گرچه نمیرد.

پیش‌تر نیز بیان شد زنای به عُنْف، صرفاً با اِعمال اکراه و یا اجبار همراه نبوده بلکه در مصادیق وجود شرایط و وضعیتی خاص برای فرد مورد تجاوز، از قبیل: «فریب، خردسال بودن قربانی، بیماری روانی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت جسمی، بیهوش بودن یا بیهوش نمودن قربانی و یا مسلوب الاراده کردن وی از طریق دارو، مشروبات الکلی و یا مواد مخدر و روانگردان»، تجاوز موضوعیت خواهد یافت.

6-2- لواظ:

<sup>1</sup> محارم مصاهری



مصادق اصلی همجنس‌گرایی در مردان، لواط است. در ماده 223 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 139، در تعریف این جرم آمده است: «لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دُبَر انسان مذکر است». لذا این عمل شنیع توسط مردان علیه مردان دیگر و یا پسران نابالغ انجام می‌شود.

در تعریف این جرم، فقها آورده‌اند: «و هو: وطء الذکران، فان أوقب قتلاً معاً إن كانا بالغین، عاقلین، حرین کانا أو عبدین، مسلمین أو کافرین، محصنین أو غیرهما أو بالتفریق». (علامه حلی، 1410ق) «اللواط، وطء الذکران من الآدمی بإیقاب و غیره» (موسوی خمینی، 1384) «لواط، وطی دو مذکر از جنس آدم به واسطه دخول و غیر آن می‌باشد». (موسوی خمینی، 1385) «اما اللواط: فهو وطء الذکران (وطی) ذکر ذکر آخر فی دُبَره (بیاقاب) هو غیاب الحشفه داخل دُبَر...، بیاقاب و غیره ... و موجب الإقاب (الإدخال فی الدُبَر)». (محقق حلی، 1412ق) «و هو وطء الذکر و اشتقاقه من فعل قوم لوط ... (فمن أقر بإیقاب ذکر) أى إدخال شیء من الذکر فی دُبَره ولو مقدار الحشفه و ظاهرهم هنا الاتفاق علی ذلک». (شهید ثانی، 1374)

لواط، از جمله جرایم جنسی فیزیکی بوده که تحت هر شرایطی در دین اسلام دارای حرمت و مستوجب مجازات حدی می‌باشد. در برخی از کشورهای جهان، همجنس‌گرایی آزاد اعلام شده و روابط جنسی مردان در قالب این عمل شنیع تحت حمایت قانون قرار گرفته و حتی ازدواج مردان با یکدیگر هم قانونی اعلام شده است؛ لیکن دین اسلام به هیچ وجه، جوازی در این خصوص صادر نکرده و این جرم در حالت تراضی فاعل و مفعول، برای هر یک مجازات شدید حدی داشته و در مصادیق لواط به عنف که در زمره جرایم جنسی به عنف قرار دارد، مجازات متجاوز، اعدام خواهد بود.

**2-7- تفخیز:** این جرم نیز بین دو مذکر انجام شده و عمل جنسی مادون لواط است. بر اساس ماده 235 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392: «تفخیز عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر است». در تبصره ماده 235 قانونگذاری شده که: «دخول کمتر از ختنه‌گاه در حکم تفخیز است». فقها تفخیز را قرار دادن آلت جنسی مرد در بین ران‌ها و یا نشیمنگاه مرد دیگر و یا دخول به کمتر از قدر حشفه تعبیر نموده و تعریفی جز این در کتب فقهی یافت نمی‌شود. به نمونه‌هایی از این تعاریف اشاره می‌کنیم. «إذا لم یکن الإتیان إیقاباً - کالتفخیز أو بین الألیتین - فحدّه مائه جلد» (موسوی خمینی، 1384) «در صورتی که لواط به طور دخول نباشد مانند تفخیز یا بین دو کفل، حد آن صد تازیانه می‌باشد». (موسوی خمینی، 1385) «و إن لم یوقب جلدًا مائه، حرین کانا أو عبدین». (علامه حلی، 1410ق) «و (إن لم یکن) الفعل (إیقاباً کالتفخیز أو) جعل الذکر (بین الألیتین)... (فحدّه مئه جلد)». (شهید ثانی، 1374) با وصف تعاریف یاد شده که اغلب به مجازات تفخیز پرداخته شده است؛ «این عمل، نوعی از رابطه جنسی بین مردان است که شرایط تامه لواط از لحاظ مقدار دخول، در آن محقق نشده باشد».

**2-8- مساحقه:** نوع خاص از همجنس‌گرایی زنان بوده که تعریف آن در ماده 238 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 بیان شده است: «مساحقه عبارت است از اینکه انسان مونث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد». فقها در این خصوص ضمن بیان تعریفی واحد، صرفاً به مجازات آن پرداخته‌اند. حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص مرقوم داشته‌اند: «یثبت السحق و هو وطء المرأة مثلها» (موسوی خمینی، 1384) «سحق - که عبارت از این است که زن با زن وطی نماید». (موسوی خمینی، 1385)

**2-9- تقبیل، ملامسه و مضاجعه:**

**تقبیل و ملامسه:** بوسیدن همجنس از روی شهوت و لمس بدن و اندام‌های همجنس دیگر به قصد لذت شهوانی از دیگر جرائم جنسی بوده که هم، میان همجنس‌گرایان مذکر مصادق داشته و هم، میان همجنس‌گرایان مونث وجود دارد. در ماده 237 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 و تبصره ذیل آن به جرائم تقبیل و تفخیز اشاره شده است. «ماده 237 - همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.





تبصره 1- حکم این ماده در مورد انسان مونث نیز جاری است.

مضاجعه، در زمره روابط نامشروع و اعمال منافی عفت غیر از زنا آمده و عبارت از هم‌آغوشی شهوانی مرد و زنی می‌شود که علقه زوجیت فی‌مابین آنان وجود ندارد.

#### 10-2-قوادی:

با استناد به ماده 242 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392: «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است» که با استناد به تبصره 1 همان ماده، «حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیر این صورت عامل، مستوجب تعزیر مندرج در ماده 244 قانون یاد شده خواهد بود». این جرم اغلب توسط گردانندگان باندهای فساد و فحشاء واقع شده و قوادانی را در بر می‌گیرد که با دایر کردن مراکز فحشاء موجب زنا یا لواط شده‌اند. اشخاصی که مراکز فساد و فحشاء دایر می‌کنند (بند «الف» ماده 639 قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال 1375) و یا این گونه مراکز را اداره نمایند، به یک تا ده سال حبس محکوم شده و در صورتی که بر عمل ایشان، عنوان قوادی صدق کند، به حد قوادی نیز محکوم می‌شوند.

قوادانی که منفرداً مرتکب جرم شده و یا باند مجرمانه‌ای در این خصوص تشکیل نداده نیز کم نیستند و در تعاریف فقهی، به طور معمول از قواد به صورت انفرادی یاد شده، چرا که غلبه در اعصار گذشته، قوادی به طور انفرادی بوده است. برخی از قوادان، موجب به هم رسیدن بالغین جهت زنا یا لواط با نابالغین می‌شوند، که مجازات آنها حد شرعی است که به آن پرداخته خواهد شد و برخی دیگر برای بهم رساندن اطفال با یکدیگر جهت زنا و لواط قوادی می‌کنند که مجازات آنان در ماده 244 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392، آمده است.

در تعاریف فقها آمده است: «تثبت القیاده و هی الجمع بین الرجل و المرأة أو الصبیة للزنا أو الرجل بالرجل أو الصبی للواط» (موسوی خمینی، 1384) «قوادی- و آن عبارت است از جمع نمودن بین دو مرد و زن یا دختر بچه برای زنا، یا مرد و مرد یا پسر بچه برای لواط» (موسوی خمینی، 1385) «وهو: الجامع بین الرجال أمثالهم للواط و بینهم و بین النساء للزنا» (علامه حلی، 1410ق) «و اما القیاده: فهي الجمع بین الرجال و النساء للزنا، أو بین الرجال و الرجال للواط» (محقق حلی، 1412ق) «الجمع بین فاعلی الفاحشه من الزنا و اللواط و السحق» (شهید ثانی، 1374) که تعریف اخیر از شهید ثانی، به نظر جامع تر بوده چرا که «به عملی اطلاق شده است که در آن قواد، دو فاعل فحشاء برای زنا، لواط و یا مساحقه را جمع می‌نماید».

#### 3- ویژگی‌های جرایم جنسی فیزیکی موضوع بحث در این پژوهش:

در ابتدا بیان می‌دارد جرایم جنسی موضوع این پژوهش، «زنا، لواط، تفریح، مضاجعه و ملامسه» بوده و استمناء (خودارضایی) داخل در بحث نمی‌باشد. بدین لحاظ ویژگی‌های جرایم مذکور را می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

1. جرایم جنسی، حداقل دارای دو مجرم می‌باشد. هریک از جرایم موضوع بحث دو طرف دارد، در زنا: «زانی و زانی»، در لواط: «فاعل و مفعول» و غیره
2. در فقه جزایی، برخلاف، قوانین بسیاری از کشورهای جهان، هر نوع از انواع روابط جنسی، جرم محسوب شده و صرفاً رابطه زناشویی بین زوج و زوجه که علقه شرعی بین آنان وجود داشته باشد، جرم محسوب نمی‌شود.
3. جرایم موضوع بحث، دارای مجازات بوده که در قالب «حد» و «تعزیر» بر مرتکبین اعمال خواهد شد؛ با این وصف، عمل مرتکبین، باعث اثبات حد و یا تعزیر بوده و در صورت عفو بودن جرایم یاد شده، شدیدترین نوع مجازات در انتظار مرتکب خواهد بود.
4. در اغلب کشورهای جهان، مصادیق یاد شده، در صورت عفو و تجاوز به عفو، جرم محسوب شده و مستوجب مجازات خواهد بود.



5. جرایم جنسی در صورتی که منافی عفت باشد، مستند به ماده 306 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392 (الحاقی 1394/03/24)، به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی خواهند شد.<sup>2</sup>

6. در صورتی که متهم جرم زنا، مدعی زوجیت یا وطی به شبهه باشد، با استناد به ماده 223 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392، ادعای وی بدون بینه یا سوگند پذیرفته می‌شود مگر آن که خلاف آن با حجت شرعی لازم ثابت شود.

7. مستنداً به نص ماده 241 قانون اخیرالذکر، ماده 120 همان قانون و قاعده فقهی «دراء»، در صورت فقد ادله کافی در جهت اثبات جرایم منافی عفت و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است مگر آن که احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش و یا اغفال یا مواردی که به موجب قانون در حکم ارتکاب با عنف است، وجود داشته باشد.

8. همچنین با توجه به ماده 102 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392 (الحاقی 1394/03/24): «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود».

9. با توجه به سنگین بودن مجازات‌های حدی، اصل جزایی «رعایت حال متهم» که توسط شارع در فقه مدنظر قرار داشته و تبصره 1 ماده 102 قانون اخیر الذکر: «در جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بداً قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند».

#### 4- راه‌های اثبات جرایم جنسی به رضایت و به عنف:

طرق ثبوت جرایم جنسی موضوع این پژوهش، در قالب ادله اثبات در امور کیفری یکسان بوده و به واسطه «اقرار، بینه و علم قاضی» قابل اثبات است. البته نباید از سایر ادله اثباتیه مانند امارات، کارشناسی و غیره غافل شد لیکن سه طریقه یاد شده اهم ادله اثبات در احراز جرم مرتکبین بوده و بسته به نوع جرم و شدت و حدت آنها در هتک حیثیت و شخصیت مرتکبین در سطح جامعه، همچنین به دلیل شدید بودن مجازات برخی از آن جرایم، از حیث حدنصاب اقرار و حد نصاب شهود با یکدیگر متفاوت است. در جرایمی مانند زنا و یا لواط، حد نصاب اقرار، چهار مرتبه بوده و پس از اتمام چهارمین اقرار، حد زنا و یا لواط، بسته به نوع جرم، ثابت می‌گردد. در اثبات جرایم زنا و لواط از طریق بینه نیز، همین وصف معتبر است و با شهادت 4 شاهد، مجازات حد شرعی ثابت خواهد شد و در غیر آن دادگاه حکم به شلاق تعزیری و در موارد شبهه، با استناد به قاعده فقهی «دراء»، مجازات ساقط خواهد شد.

#### 4-1- طرق اثبات زنا:

فقه جزایی طرق اصلی اثبات جرم زنا را در وهله اول، اقرار و سپس بینه (شهادت شهود) دانسته و در مواردی، معاینه موضع زنا از لحاظ مشاهده موهای زهار مردانه بر روی بدن زنان و موضع نزدیکی و یا در موارد شبهه در بکارت و یا ازاله بکارت در زنا، مراجعه امر به زنان را جایز دانسته و علم قاضی را بر آن استوار دانسته است. لیکن با پیشرفت پزشکی و نحوه تشخیص جرایم جنسی در پزشکی قانونی، اثبات جرم از طریق علم قاضی، قوت بیشتری یافته و از طرق پزشکی و در موارد لزوم، ارجاع امر به پزشکی قانونی، قضات در صدور احکام جزایی در جرایم جنسی، علم و قطع خود را مبتنی بر ادله کافی بنا می‌نهند.

در اسلام (فقه جزایی) بطور معمول، دو راه کلی برای اثبات زنا وجود دارد (فتاحی، خوش سلوک، 1402):

1- اقرار طرفین

2- شهادت چهار نفر شاهد

<sup>2</sup> با استناد به تبصره ذیل ماده 306 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392 (الحاقی 194/03/24): «منظور از جرایم منافی عفت در این قانون، جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است».



اگر چنانچه زناى محصنه يك شخص به وسيله هر يك از راه‌هاى فوق ثابت شود، آنگاه مجازات سنگسار در حق شخص زنا كار، با توجه به اينكه زناى وى به وسيله کداميك از راه‌هاى فوق ثابت شده باشد متفاوت خواهد بود.

• **اقرار طرفين؛** زنا كننده كه بالغ و عاقل و آزاد است در حال اختيار و بدون ارعاب و ترس چهار مرتبه و بنابر احتياط در چهار جلسه اعتراف كند كه زنا كرده است. اگر زناى محصنه از راه اقرار شخص زنا كار ثابت شود و شخص زناكار هنگام سنگسار از گودال فرار كرد، ديگر او را به گودال برنمى گردانند، حتى بنابر احتياط اگر يك سنگ هم به او نخورده باشد نبايد او را بازگردانند. (ماده 164 و بند (الف) ماده 172 قانون مجازات اسلامى 1392)

• **شهادت چهار نفر شاهد؛** چهار مرد عادل به ديدن عمل شهادت دهند، و اگر سه مرد و دو زن عادل يا دو مرد و چهار زن عادل هم شهادت دهند كافى است و زنا ثابت مى شود. اگر زناى محصنه از راه شهادت شهود ثابت شود، آنگاه اگر هنگام سنگسار از گودال فرار كرد، فرار وى فايده ندارد و او را بايد به گودال برگردانند و آنقدر سنگسار شود تا بميرد. (مواد 199 و 200 قانون مجازات اسلامى 1392)

شايدان ذكر است كه در صورت تعارض ادله با يكدیگر، اقرار بر شهادت شرعى، قسامه و سوگند مقدم است. همچنين شهادت شرعى بر قسامه و سوگند تقدم دارد. (ماده 213 قانون مجازات اسلامى 1392) به عبارت ديگر، مى توان چنين استدلال نمود كه اگر شخصى اقرار به امرى كند ديگر دليلى بر اثبات آن مدعا نياز نخواهد بود، يعنى اقرار مشخص كننده ي تكليف قاضى و خاتمه دهنده ي رسيدگى است. پس از اين عنصر اثبات كننده ي جرم، شهادت از بيشترين درجه ي اهميت برخوردار بوده، بطوريكه حتى قانونگذار شهادت شرعى را بر قسامه و سوگند ارجح مى داند.

#### راه‌هاى اثبات در قوانين جزايى:

مقتن در قانون مجازات اسلامى، دو راه ديگر علاوه بر آنچه در شرع براى اثبات زنا معرفى شده، به رسميت شناخته و حتى مى توان چنين ادعا نمود كه علم قاضى را بر سه راه ديگر ارجح دانسته است و آنها عبارتند از:

- 1- علم قاضى
- 2- اقرار طرفين
- 3- شهادت چهار نفر شاهد.
- 4- وجود بينه و امارات

• **علم قاضى؛** عبارت از يقين حاصل از مستندات بين در امرى است كه نزد وى مطرح مى شود. در مواردى كه مستند حكم، علم قاضى است، وى موظف است قرائن و امارات بين مستند علم خود را به طور صريح در حكم قيد كند. (مواد 211 و 212 قانون مجازات اسلامى 1392) در هر حال مواردى از قبيل نظريه كارشناس، معينه محل، تحقيقات محلى، اظهارات مطلعين، گزارش ضابطان و ساير قرائن و اماراتى كه نوعاً علم آور باشد، مى تواند مستند قاضى قرار گيرد، اما مجرد علم استنباطى كه نوعاً موجب يقين قاضى نمى شود، نمى تواند ملاك صدور حكم باشد.

• **بينه و امارات؛** يكى از اماراتى كه در اين جرم بسيار حائز اهميت مى باشد، بحث وجود آثار ژنتيكي زانى در بدن زانيه و آثار عمل انجام شده، مى باشد. از جمله مصاديق بارزى كه در تبصره ذيل ماده 211 قانون مجازات اسلامى مصوب سال 1392 مطرح شده، نظريه كارشناس است. در اينگونه موارد قاضى رسيدگى كننده به پرونده (بخصوص در صورت وجود ادعايى مبنى بر عَف بودن زنا يا همان تجاوز) فوراً دستور معرفى شاكى را به پزشكى قانونى جهت انجام معاينات تخصصى صادر مى كند. از جمله مواردى كه در تشخيص پزشكان شاغل در سازمان پزشكى قانونى موثر است وجود اثرات باقى مانده در بدن زانيه اعم از موهاى زهار زانى، بقايای اسيرم، وجود جراحت، آثار بزاق دهان مرد بر نواحى پشت گوش، گردن، نوک سينه ي زن، حواشى لب و در ناحيه تناسلى زانيه مى باشد كه با نمونه بردارى از آنها و تطبيق DNA آن با مشخصات ژنتيكي زانى به راحتى مى توان فهميد كه آيا شخص مظنون و متهم به جرم زنا، آيا همان



شخصی است که شاکی معرفی نموده است یا خیر؟ پر واضح و بدیهی است که قاضی یک شخص حقوقدان بوده و تسلط ایشان بر حقوق و مواد قانونی می‌باشد و خارج از تصور نیست که وی تخصصی در امور تخصصی پزشکی نداشته باشد، به همین جهت گزارشات واصله از مرجع پزشکی قانونی الزاماً باید با دقت وافر و صراحت تنظیم گردد تا روشنایی بخش کیفیت و کمیت عمل برای مقام قضایی بوده و وی بتواند مستند به آنها حکم مقتضی صادر کند.

#### 4-2- طرق اثبات لواط:

طرق اثبات لواط و زنا با یکدیگر یکسان بوده و «ماده 164، بند «الف» ماده 172 و مواد 199 و 200 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392»، در خصوص اثبات این جرم موضوعیت دارد. نظر برخی از فقها در طریقه اثبات لواط را به نظر خوانندگان گرامی می‌رساند. «و یثبت: بالإقرار أربع مرّات من البالغ العاقل الحرّ المختار و بشهادة أربعة رجال بالمعاینه» (علامه حلی، 1410ق) «و هو لایثبت إلاّ بإقرار الفاعل أو المفعول أربع مرّات، أو شهادة أربعة رجال بالمعاینه مع جامعیتهم لشرائط القبول» (موسوی خمینی، 1384) «لایثبتان إلاّ بالإقرار أربع مرّات، أو شهادة أربعة رجال بالمعاینه» (محقق حلی، 1412ق)

#### 4-3- تفخیز و مساحقه:

طرق اثبات این جرایم جنسی نیز به مانند زنا و لواط است که در مطالب فوق آمده است.

#### 4-4- قوادی:

مستند به بند «ب» ماده 172 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392، حد نصاب اقرار در جرم قوادی، دو بار بوده و با توجه به نص ماده 199 قانون مازالذکر، نصاب شهادت در کلیه جرایم، که قوادی نیز در زمره آن محسوب می‌شود، دو شاهد مرد است.

#### 4-5- اثبات جرایم جنسی به عنف (تجاوز به عنف):

راه‌های اثبات جرایم جنسی به رضایت مرتکبین به شرح مذکور بیان گردید، لیکن در تجاوز به عنف، به طور معمول متجاوز منکر جرم بوده و به ندرت و شاید به دلیل عذاب وجدان، اقرار به جرم نماید. در موارد تجاوز به عنف نیز از آنجایی که تجاوزگر با طرح نقشه قبلی و مهیا کردن شرایط تجاوز، مرتکب این جرم می‌شود، لذا امکان وجود شاهد نیز ضعیف خواهد بود. در مصادیق این جرم که اغلب با شکایت مجنی‌علیه و یا اولیای وی آغاز می‌شود، «علم قاضی در کشف جرم» دارای جایگاه ویژه بوده و حفظ آثار تجاوز به منظور تأیید مراتب از سوی پزشکی قانونی ضروری بوده ضمن آنکه سرعت در طرح شکایت از موارد ضروری می‌باشد.

با توجه به آنکه مجازات تجاوز به عنف شدید بوده و در صورت اثبات جرم، «سلب حیات (اعدام)» متجاوز را به دنبال دارد لذا مقام قضایی مستند به بند «الف» ماده 180 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392، می‌تواند بدون آنکه متهم را احضار نماید، «دستور جلب» وی را صادر کرده و با التفات به ماده 188 قانون مذکور، «دستور منع خروج متهم از کشور» را صادر نماید. همچنین با استناد به ماده 77 همان قانون، «در صورت مشهود بودن جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (302) این قانون، تا پیش از حضور و مداخله بازپرس، دادستان برای حفظ آثار و علائم، جمع آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم اقدامات لازم را به عمل می‌آورد». لذا بازداشت متهم در تجاوزات جنسی به عنف، با توجه به مواد یاد شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392، در مواردی که بزه دیده بلافاصله پس از وقوع جرم شکایت نماید، ضروری به نظر می‌رسد در غیر این صورت فرار و اختفای متهم، محتمل بوده و با توجه به مجازات اعدام متجاوز، دسترسی به متهم فراری جرایم جنسی به عنف، سخت و دشوار خواهد بود.

دقت نظرات صادره از سوی پزشکی قانونی در خصوص تجاوز به عنف نیز ضروری بوده و با استناد به تبصره ماده 1 قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی مصوب 1372/04/27 و ماده 7 آئین نامه اجرائی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور مصوب 1373/04/08، «اظهار نظر پزشکان قانونی کشور در خصوص مسایل مربوط قضایی جنبه کارشناسی دارد که باید مستدل، روشن و



متضمن شرح مشهودات و معاینات و مبتنی بر مدارک و ملاحظات علمی و آزمایشگاهی و با استفاده از روشهای جدید و نتیجه گیری کافی باشد تا دادرس را در مقام کشف واقعیت یاری نماید». (خوش سلوک، 1389)

به طور خاص در این دسته از جرایم، امکان ارائه ادله اثباتیه از سوی بزه‌دیده ممکن نبوده و تحصیل ادله کافی در احراز و اثبات تجاوزات جنسی برعهده مقام قضایی خواهد بود که با صدور اوامر قضایی به ضابط عام و یا در مواقع ضروری به ضابطان خاص، در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت می‌پذیرد.

## 5- مجازات‌های حدی و تعزیری جرایم جنسی:

### 5-1- زنا:

مجازات زانی و زانیه در جرم زنا به شرح زیر در احکام فقهی و قوانین جزایی تعیین شده است:

الف) صد ضربه تازیانه

ب) اعدام

پ) رجم (سنگسار)

ت) سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق

ث) جلد، جزّ و تغریب

ج) اقدامات تأمینی و تربیتی در زانی نابالغ

که مختصراً به مصادیق هر مجازات اشاره می‌شود.

الف) صد ضربه تازیانه:

مجازات زانی و یا زانیه غیرمحصن، در مواردی که به اختیار مرتکب زنا شده باشند، با استناد به ماده 230 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392، یکصد ضربه شلاق خواهد بود. همچنین در صورتی که در زانی با محارم نسبی و زانی محصنه، زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد، مجازات زانیه مستند به ماده 228 قانون مارالذکر، فقط صد ضربه شلاق است.

با توجه به مفهوم ماده 225 قانون یاد شده، در صورت عدم امکان رجم با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه، در صورتی که جرم با بینه ثابت نشده باشد و به واقع با اقرار مرتکبین به اثبات رسیده باشد، موجب صد ضربه شلاق برای هریک می‌باشد.

ب) اعدام:

با استناد به ماده 224 قانون یاد شده، «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف) زنا با محارم نسبی

ب) زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

پ) زانی مرد مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.



ت) زناى به عنف يا اكراه از سوى زانى كه موجب اعدام زانى است». لذا مجازات اعدام صرفاً در برابر تجاوز به عنف، تشريع نشده و در موارد مذكور، مجازات متجاوز، سلب حيات و اعدام خواهد بود.

در تبصره 2 ماده 224 قانون اخيرالذكر، مصاديق در حكم زناى به عنف بدین شرح تبیین شده است: «هرگاه كسى با زنى كه راضى به زناى با او نباشد در حال بيهوشى، خواب يا مستى زنا كند، رفتار او در حكم زناى به عنف است. در زنا از طريق اغفال و فريب دادن دختر نابالغ يا از طريق ربایش، تهديد و يا ترساندن زن اگر چه موجب تسليم شدن او شود نیز حكم فوق جارى است». كه در این صور نیز، مجازات متجاوز اعدام خواهد بود. در موارد زناى به عنف و در حكم آن، چنانچه قربانى زنا، باكره باشد، متجاوز با توجه به ماده 231 قانون یاد شده، علاوه بر مجازات اعدام، به پرداخت ارشالبكاره و مهرالمثل نیز محكوم خواهد شد و در صورتی كه باكره نباشد، فقط به مجازات اعدام و پرداخت مهرالمثل محكوم می‌گردد.

در ماده 225 همان قانون، يكی دیگر از مصاديق اعدام، در زناى محصنه بوده و آن در صورتی است كه امکان اجرای رجم وجود نداشته باشد، كه در این حالت با پیشنهاد دادگاه صادر كننده حكم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه، چنانچه جرم با بینه صادر شده باشد، موجب اعدام زانى محصن و زانیه محصنه خواهد بود.

پ) رجم(سنگسار):

در ماده 225 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392: «حد زنا برای زانى محصن و زانیه محصنه رجم است». این مجازات رجم(سنگسار) زناكاران محصن و یا محصنه، در صورت عدم امکان اجرای رجم، با پیشنهاد دادگاه صادر كننده حكم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه، در صورتی كه جرم با بینه صادر شده باشد، موجب اعدام زانى محصن و زانیه محصنه است. به واقع سلب حيات زانى و زانیه، بجای سنگسار، با طناب دار صورت می‌گیرد.

ت) سی و يك تا هفتاد و چهار ضربه شلاق:

در ماده 232 قانون مذکور آمده است: «هرگاه مرد یا زنى کمتر از چهار بار اقرار به زنا نماید، به سی و يك تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محكوم می‌شود. حكم این ماده در مورد لواط، تفخیز و مساحقه نیز جارى است».

قانونگذار، جماع با میت را نیز زنا محسوب نموده و با استناد به ماده 222 همان قانون، تشريع نموده: «جماع با میت، زنا است مگر جماع زوج با زوجه متوفای خود كه زنا نیست لکن موجب سی و يك تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش می‌شود».

ث) جلد، جزّ و تغریب:

حكم مجازات به جلد(تازیانه)، جزّ(تراشیدن موی سر) و تغریب(تبعید)، با استناد به ماده 229 قانون ذكر شده، مختص مردی است كه همسر دائم دارد، لیكن چنانچه قبل از نزدیکی با همسر خود، مرتكب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت يكسال قمری می‌باشد.

ج) اقدامات تأمینی و تربیتی در زناى نابالغ:

مستند به تبصره 2 ماده 221 قانون یاد شده: «هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در كتاب اول این قانون محكوم می‌شود» كه در مواد 88 و 89 قانون اخير، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مرتكبین نابالغ تعیین شده است.





در قالب کلی، قانونگذار مجازات مرتکبین لواط را به شرح زیر تشریع نموده است:

#### الف) اعدام:

با استناد به ماده 234 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392، «حد لواط برای فاعل، در صورت علف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام است» لیکن «حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است». همچنین با عنایت به تبصره 1 همان ماده، «در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است».

#### ب) صد ضربه شلاق:

مجازات دیگری که قانونگذار در جرم لواط تشریع نموده، یکصد ضربه شلاق می‌باشد و آن حد فاعل است در صورتی که لواط وی با مفعول، به علف یا اکراه نبوده و شرایط احصان را نیز دارا نباشد.

#### 3-5- تفخیز:

جرم تفخیز نیز دارای دو مجازات حدی می‌باشد:

#### الف) صد ضربه شلاق:

حد فاعل و مفعول در این جرم، صد ضربه شلاق است و فرقی میان مجازات محصن و غیرمحصن، علف و غیر علف نیست. این مجازات در ماده 236 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 تشریع و تبیین شده است.

#### ب) اعدام:

در تبصره ماده فوق، تنها در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است که حکم و مجازات مندرج در تبصره 1 ماده 234 قانون مذکور در جرم لواط، برگرفته شده از آیه «نفی سبیل» (نساء، 141) می‌باشد.

#### 4-5- مساحقه:

حد مساحقه مستند به ماده 239 قانون یاد شده، صد ضربه شلاق بوده و بر اساس ماده 240 همان قانون، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محصن و غیرمحصن و علف و غیرعلف وجود ندارد.

#### 5-5- تقبیل و ملامسه:

با استناد به ماده 237 قانون مارالذکر و تبصره 1 ذیل آن، مجازات این جرم، 31 تا 74 ضربه شلاق تعزیری درجه شش بوده و فرقی بین انسان مذکر و مونث در این حکم وجود ندارد.

#### 6-5- قوادی:

#### الف) هفتاد و پنج ضربه شلاق حدی:

حد قوادی، منوط به تحقق زنا یا لواط است. (تبصره 1 ماده 242 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392) مستند به ماده 243 قانون مذکور، «حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یکسال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است».

ب) سی و یک تا هفتاد چهار ضربه شلاق و حبس درجه شش تعزیری:



مستند به تبصره 1 ذیل ماده 242 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 و نیز ماده 244 همان قانون، در صورت عدم تحقق زنا یا لواط در جرم قوادی و همچنین زمانی که قواد دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند، مستوجب حد نبوده لکن مجازات سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس درجه شش محکوم می‌شود».

## نتیجه گیری

جرایم جنسی چه به صورت فیزیکی باشد و چه به صورت غیرفیزیکی، در قوانین جزایی کشورمان جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شده است. در جرایم جنسی فیزیکی که در این پژوهش مورد مذاقه قرار گرفته است؛ شارع مبادرت به جرم‌انگاری نموده و مجازات این دسته از جرایم از قبیل «زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، مضاجعه، تقبیل و ملامسه» توسط شارع حکیم در قالب حد و تعزیر تشریع شده است. برخی از جرایم جنسی، دارای حد شرعی بوده و برخی دیگر، مستوجب مجازات تعزیری خواهند بود.

هر یک از جرایم جنسی مورد بررسی در این پژوهش، دارای طرق اثبات جرم بوده و جرایمی از قبیل: «زنا، لواط، تفخیز و مساحقه» جهت اثبات، نیاز به 4 مرتبه اقرار و یا شهادت 4 شاهد به شرح مندرج در قوانین جزایی داشته و در سایر جرایم جنسی فیزیکی، با دو بار اقرار مرتکب و یا شهادت 2 شاهد شرعی، جرم ثابت شده و مرتکب، مستوجب مجازات خواهد بود.

مجازات‌های حدی در صورت تکرار دارای آثار شدید بوده و مستند به ماده 136 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392، «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است». در مجازات‌های تعزیری در صورتی که مقام قضایی، مجازات شلاق تعزیری صادر کند، می‌تواند از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه تازیانه، بسته به نوع و شیوه ارتکاب جرم تعیین نماید.

در صورتی که جرایم جنسی حدی، از قبیل: «زنا و لواط» به طور علف ارتکاب یابد، متجاوز به شدیدترین نوع مجازات (اعدام و سلب حیات) محکوم خواهد شد؛ لیکن در سایر جرایم حدی، از قبیل: «تفخیز و مساحقه»، تفاوتی میان ارتکاب جرم به طور علف و غیرعلف وجود نداشته و در هر شرایط، حد شرعی این جرایم، صد ضربه تازیانه خواهد بود.

علاوه بر مجازات شدید اعدام در تجاوز به علف (زنا به علف و لواط به علف)، زنا با محارم نسبی، رضاعی و مصاهری اعدام بوده و در زنا و لواط، در صورتی که زانی در زنا و یا فاعل در لواط، غیرمسلمان و زانیه در زنا و مفعول در لواط، مسلمان باشد؛ مجازات غیرمسلمان اعدام خواهد بود. در مصادیقی از قبیل تجاوز به قربانی در حالت بیهوشی، خواب یا مستی در حالی که شخص قربانی حاضر به عمل جنسی نباشد و همچنین زنا و لواط از طریق اغفال و فریب دادن قربانی نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و ترساندن در حکم زنا به علف بوده و مجازات اعدام تجاوزگر را در پی خواهد داشت.

در زنا محصن و محصنه نیز حد رجم بر مرتکبین اجرا خواهد شد که به دلایل مختلفی، این حد شرعی به مجازات اعدام تبدیل شده و اجرا می‌گردد.

در اغلب کشورهای جهان، برقراری رابطه جنسی با طرف دیگر رابطه، در صورتی که همراه با علف و اکراه نباشد، جرم نبوده و قانونگذار آن کشورها، نه تنها مجازاتی برای مرتکبین آن تعیین نکرده است، بلکه در برخی موارد از انواع رفتارها و روابط جنسی، حمایت کرده است و در صورت علف و اکراه از سوی متجاوز، جرم‌انگاری صورت پذیرفته و اکراه کننده به مجازات محکوم خواهد شد.

## مراجع

- ارجمند دانش، جعفر، 1392، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات بهنامی.
- الاسدی، الحسن بن یوسف بن المطهر (العلامة الحلی)، 1410 ق، إرشادالاذهان فی احکام الایمان، ج 2، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- بنی هاشمی خمینی، سیدمحمدحسن، 1383، توضیح المسائل مراجع، چاپ هشتم، جلد ۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- بهجت، محمدتقی، 1385، جامع المسائل، چاپ اول، جلد ۵، دفتر حضرت آیت الله بهجت، قم.
- الجبعی العاملی، زین الدین (الشهید الثاني)، 1374، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، موسسه اسماعیلیان، ج 3.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، 1390، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، کتابخانه گنج دانش.
- ذهنی تهرانی، سیدمحمدجواد، 1367، المباحث الفقہیة فی شرح الروضة البهیة، جلد 28، 29، 30، قم، انتشارات وجدانی.
- رزم ساز، بابک، 1392، روش‌های پیشگیری از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی در سیاست جنائی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مجد.
- علوی گرگانی، محمدعلی، 1383، التعليقه علی تحریرالوسیله للامام الخمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای، مهدی، 1382، چاپ اول، شرکت انتشارات احیاء الکتاب.
- گودرزی، فرامرز، 1377، پزشکی قانونی، ج 1، انتشارات انتیشتین، چاپ اول.
- لطفی، اسدالله، 1402، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، چاپ چهاردهم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- مجلسی، محمد باقر، 1403 ق، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- المحقق الحلی، 1412 ق، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، انتشارات امیر، چاپ سوم.
- محقق داماد، سیدمصطفی، 1392، قواعد فقه، بخش جزایی، جلد چهارم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- معین، محمد، 1387، فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، انتشارات فرهنگ نما.
- موسوی خمینی، روح الله، 1384، تحریرالوسیله، چاپ دوم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح الله، 1385، ترجمه تحریرالوسیله، چاپ اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، 1390، تحریر الوسیله، چاپ دوم، جلد ۲، نجف اشرف مطبعه الآداب.
- مومن قمی، محمد، 1381، مبانی تحریرالوسیله، کتاب الحدود، ج 2، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نوبهار، رحیم، 1389، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه 32
- سوره مبارکه بقره، آیه شریفه 221

سوره مبارکه فرقان، آیه شریفه 68

سوره مبارکه مائده، آیه شریفه 5

سوره مبارکه ممتحنه، آیه شریفه 10

سوره مبارکه نساء، آیات شریفه 15، 16، 22، 24 و 25

سوره مبارکه نساء، آیه شریفه 141

سوره مبارکه نور، آیات شریفه 2، 3، 8، 31

آئین نامه اجرائی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور مصوب 1373/04/08.

قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب سال 1392.

قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی مصوب 1372/04/27.

قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب سال 1375.

قانون مجازات اسلامی، مصوب سال 1392.

فتاحی، نُوزَن، خوش سلوک، مهران، پاییز 1402. مطالعه تطبیقی شناخت انواع زنا در فقه و قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 کتاب حدود . حقوق و علوم سیاسی، 4(3)، صص. 194-208.

خوش سلوک، مهران، 1389، سخنرانی: ابعاد حقوقی و فقهی در تجاوزات جنسی و ازاله بکارت، کنفرانس خشونت جنسی، اورژانس پزشکی قانونی، آذر 1389.

## Punishment of sexual crimes in Iran

MEHRAN KHOSHSOLOOK

PhD of law, university professor, attorney at law

### Abstract

In the Islamic religion, sex between a man and a woman without marriage is a crime and the holy law has legislated punishment for that and the penal laws of our country have also determined criminalization and limited punishments for this act. In some countries, sexual intercourse is not a crime and it is not legally prohibited if both parties agree; However, if sexual intimacy takes place without the consent of one of the two parties due to reluctance, deception, loss of will or other reasons, it is rape and the aggressor will be punished. In the sexual relationship between two men, Islam has also criminalized it and has determined punishment for the perpetrators in any situation. Although some countries of the world have allowed homosexuality, the supporters of this discussion also believe that in case of reluctance and coercion of the aggressor, punishment should be implemented against the aggressor and the reluctance. In fact, all countries consider violent and involuntary sexual crimes as a crime and while protecting the physical and personal integrity of individuals, they have set punishments for the aggressor. Based on the history of legislation since the 7th century AD, the religion of Islam has not only considered sexual intercourse without the permission of Sharia as a crime, but also determined the punishment for the perpetrators and considered the punishment of the rapist to be deprivation of life, which is the most severe type of punishment.

**Keywords:** sexual crimes, Rape, Punishment, execution, sexual assault